

آیا افغانستان به سرطان داعش مصاب می‌شود؟



روز قبل (۲۴ قوس ۱۳۹۴) جنرال کمپبل فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، از تلاش داعش مبنی بر ایجاد پایگاه منطقه‌ای در ولایت ننگرهار و انتقال برخی جنگجویان آن‌ها از سوریه و عراق به ننگرهار و نفوذ این گروه به ولایت کنر خبر داد. نفوذ داعش به ولایت کنر (این ولایت در دهه هشتاد میلادی، سال‌های جهاد یا جنگ با قوای شوروی، پایگاه گروه سلفی افغانستان به رهبری مولوی جمیل الرحمن (مولوی حسین) بود)، شاید بیشتر از هر جای دیگر مساعد باشد. حضور جنگجویان داعش در کنر، نفوذ و حضور این گروه را به نورستان و ولایت بدخشان آسان می‌سازد.

صفحه ۶

رییس‌جمهور ضمن پوزش خواهی از وارثین شهدای میدان وردک:

در سیاست، خون سربازان را نمی‌بازیم



صفحه ۲

استاد سیاف: حجم توطیه بالاتر از توان دولت است

در مراسم اعلام شورای حراست و ثبات افغانستان: قانونی: شیپور تباهی افغانستان را با گوش و هوش می‌شنوم
داوودزی خطاب به رییس‌جمهور: راهی که تو می‌روی به گورستان است



صفحه ۶

کارتر سرزده وارد افغانستان شد

اشتون کارتر وزیر دفاع امریکا روز جمعه در سفری از پیش اعلام نشده وارد افغانستان شد و به پایگاه نیروهای امریکایی در بگرام رفت. به گزارش اسوشیتدپرس، وی برای بررسی اوضاع امنیتی شکننده امنیتی به افغانستان سفر کرده و پیش از سفر به این کشور، توفقی در بغداد نیز داشته است. وزارت دفاع امریکا دو روز قبل، گزارشی از وضعیت امنیتی افغانستان به کنگره ارایه کرد و گفت که مقاومت و انعطاف ناپذیری طالبان، وضعیت امنیتی در این کشور را شکننده کرده است. در گزارش وزارت دفاع امریکا آمده است که امنیت افغانستان از ناحیه گروه‌های طالبان، القاعده و داعش مورد تهدید قرار گرفته است. وزارت دفاع امریکا در این گزارش مدعی شده که با کاهش نقش نظامیان امریکا و نیروهای خارجی در افغانستان، طالبان جسورتر شده و راهبرد حمله به



در برگ ها



مشرف و نوستالوژی امارت طالبان



هایدگر با ما از چه می‌گوید؟



نگاهی از منظر انسان‌شناسی توسعه به داستان «قدیس مانوئل نیکوکار شهید»



سفر به چین

احمد عمران

رییس جمهور ضمن پوزش خواهی از وارثین شهدای میدان وردک: در سیاست خون سربازان را نمی‌بازیم



رییس جمهور غنی طی سفر به ولایت میدان وردک با وارثین شهدای حادثه اخیر آن ولایت، ابراز غمشریکی کرده و از آن پوزش خواسته است.

آقای غنی دیروز به منظور بررسی وضعیت امنیتی و همچنان فاتحه و ابراز غمشریکی با خانواده‌های قربانیان حادثه اخیر میدان وردک، به آن ولایت رفت.

اخیراً در عملیات اشتباهی نیروهای امنیتی در میدان وردک، هشت کودک کشته شدند.

رییس جمهور پس از استماع خواست‌ها و پیشنهادات بزرگان و خانواده‌های قربانیان رویداد اخیر میدان وردک، از خانواده‌های شهدا و مردم به خاطر وقوع حادثه مذکور، پوزش خواست.

رییس جمهور خطاب به ورثه شهدا و مردم ولایت میدان وردک گفت که مرتکبین این حادثه تحت بازداشت و تحقیق قرار دارند و از مردم خواست تا به دولت وقت بدهند تا از طریق اقدامات اصولی، حق و عدالت را بجا نماید.

رییس جمهور از صبر و حوصله‌مندی مردم ولایت میدان وردک و از اینکه آنها گفتند که میان مغرضین و اردوی ملی باید تفکیک وجود داشته باشد، قدردانی کرد.

رییس جمهور گفت که در میدان جنگ نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان را هیچ کسی شکست داده نمی‌تواند، دشمنان می‌خواهند با ایجاد تفرقه ما را شکست بدهند و باید تاکید کنم که ما در میدان سیاست، خون سربازان خویش را نمی‌بازیم، اما از آنها حساب نیز می‌خواهیم.

محمد اشرف غنی گفت که وظیفه اصلی من در سال جاری حراست از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور بود، زیرا اراده دشمنان این بود که افغانستان را به دو جغرافیای سیاسی مبدل سازند، اما این را اجازه ندادیم و تا ابد نخواهیم داد.

رییس جمهور با اشاره به پلان‌های دولت به خاطر بهبود وضعیت امنیتی کشور به خصوص ولایت میدان وردک، گفت که به نهاد های امنیتی و دفاعی کشور هدایت داده است تا پلان امنیتی پنج ماه آینده را آماده سازند.

رییس جمهور در رابطه به پلان‌های دولت بخاطر بهبود وضعیت اقتصادی مردم گفت که سال آینده در کشور، سال آب و زمین خواهد بود و هدف ما این است که کشور را در عرصه تولید گندم به خودکفایی برسانیم.

همچنان رییس جمهور غنی گفت که دولت بالای آب و زمین به طور بنیادی کار کرده است و تا چند ماه آینده تفصیلات بیشتر را در زمینه احداث بند ها، خدمت مردم ارائه خواهد کرد.

مشرف و نوستالوژی امارت طالبان

که به ریاست اشرف غنی رییس جمهوری به‌تازگی از نشست کشورهای قلب آسیا برگشته است، سخنان ضد و نقیضی در مورد آغاز روند گفت‌وگوهای صلح با خود آورده است. وزیر خارجه کشور می‌گوید که ظرف دو هفته آینده به کمک پاکستان گفت‌وگوهای صلح با طالبان - حالا مشخص نیست که کدام شاخه آن - آغاز می‌شود.

رییس جمهوری افغانستان از آغاز محتاطانه این گفت‌وگوها سخن می‌گوید. آنچه که از اظهارات مقام‌های کشور پس از برگشت از پاکستان برمی‌آید این است که یک بار دیگر دولت مردان افغانستان به روند گفت‌وگوهای صلح امیدوار شده‌اند. اما سخن این جاست که پاکستان واقعاً آماده است که افغانستان را در مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت یاری رساند؟ پاسخ این پرسش را باید در سخنان آقای مشرف جست؛ سخنانی که هرچند از زبان یک مقام بحرال بیرون نشده، ولی به اندازه سخنان همه مقام‌های بحرال پاکستان می‌تواند اهمیت داشته باشد. زیرا آقای مشرف هرچند موقف رسمی در پاکستان ندارد ولی او در بیشتر از یک دهه گذشته با لایه‌های اصلی سیاست‌گذاری پاکستان در رابطه بوده و چه بسا خودش یکی از این سیاست‌گذاران بوده است.

آقای مشرف از راه یک کودتای نظامی در پاکستان قدرت را به‌دست گرفت و برای مدتی طولانی پاکستان را رهبری کرد. این نکته را هم نباید از یاد برد که در سیاست‌های پاکستان، مسایلی به عنوان مسایل کلیدی و حیاتی وجود دارند که هیچ زمامداری قادر به تغییر و جابه‌جایی آن‌ها نیست. روابط منطقه‌ای و شیوه مبارزه با تروریسم، از جمله این مسایل اند که به عنوان خطوط قرمز سیاست پاکستان به شمار می‌روند. پاکستان با داشتن این خطوط قرمز ممکن نیست که به صورت صادقانه به شریک خوب افغانستان در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم تبدیل شود.

آقای مشرف عملاً همان سخنانی را تکرار کرد که اخیراً نواز شریف نخست‌وزیر این کشور در امریکا گفته بود. آقای مشرف می‌گوید که پاکستان طالبان افغانستان را دشمن خود نمی‌داند و می‌خواهد خود را از این قضیه دور نگه دارد. همین سخنان در گفت‌وگوهای آقای شریف با مقام‌های امریکایی نیز بیان شدند. آقای شریف گفت که پاکستان نمی‌تواند هم‌زمان با طالبان بجنگد و هم از آن‌ها بخواهد که در گفت‌وگوهای صلح شرکت کنند.

البته سیاست‌های پاکستان در قبال مبارزه با تروریسم، چیزی نیست که از نظر امریکایی‌ها پنهان مانده باشد. به‌تازگی شماری از اعضای کانگرس امریکا، پاکستان را به حمایت از تروریسم و افراط‌گرایی متهم کردند و از ایالات متحده خواهان تغییر در سیاست‌های آن در رابطه با این کشور شدند؛ سخنانی که متأسفانه از سوی نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان و پاکستان، پاسخ مثبت دریافت نکردند. اما این نکته نیز قابل درنگ است که «امریکا تا چه زمانی می‌تواند به سیاست مماشات با پاکستان ادامه دهد؟»

جنرال پرویز مشرف رییس جمهوری پیشین پاکستان در یک گفت‌وگوی ویژه با تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی، عمق استراتژیک این کشور را در قبال افغانستان با جملات واضح و روشن به تصویر کشید. این گفت‌وگو آنچه را که زمام‌داران فعلی و پیشین پاکستانی دست‌کم در پانزده سال پسین بر زبان نیاورده بودند اما در عمل به آن اهتمام می‌ورزیدند، بیان کرد.

سخنان آقای مشرف را می‌توان رونوشت سیاست خارجی پاکستان علیه افغانستان دانست. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که پاکستان در پانزده سال گذشته هیچ تعهد اخلاقی و سیاسی به وعده‌هایش نسبت افغانستان و جامعه جهانی نداشته است. پاکستان آنچه را که به عنوان مبارزه با تروریسم به رسمیت می‌شناخته، نه القاعده بوده است و نه هم طالبانی که به عنوان شهروندان افغانستان شناخته می‌شوند. از محتوای سخنان آقای مشرف به‌وضوح معلوم می‌شود که مسأله عمده برای پاکستان در مبارزه با تروریسم، باج‌گیری از جامعه جهانی و مختل کردن وضعیت افغانستان بوده است. آقای مشرف در جای‌جای این گفت‌وگو عملاً از وادی روابط بین‌الملل و دیپلماسی بیرون می‌شود و حاکمیت ملی افغانستان را نقض می‌کند.

وقتی پای کشور هند در افغانستان به عنوان یکی از کمک‌دهنده‌گان اصلی به میان می‌آید، آقای مشرف لجام را می‌گسند و افغانستان را به دلیل داشتن روابط نزدیک با این کشور، به باد انتقاد می‌گیرد. آقای مشرف در سراسر گفت‌وگوی خود اتهام وارد می‌کند که هند از طریق افغانستان در امور پاکستان دست به مداخله می‌زند و پاکستان چاره‌ی جز حمایت از گروه‌های شورشی افغانستان ندارد. رییس جمهوری پیشین پاکستان، سند چنین اتهام‌هایی را موجودیت کنسول‌گری‌های هند در قندهار و ننگرهار می‌داند. او می‌گوید که افغانستان به چنین کنسول‌گری‌هایی نیاز ندارد و این نماینده‌گی‌های سیاسی، عملاً دست‌اندرکار اقدام‌های نظامی علیه پاکستان استند.

این سخنان بدون آن‌که در قبال صحت و سقم آن‌ها بتوان چیزی گفت، یک مسأله را کاملاً روشن می‌سازد و آن این‌که پاکستان حمایت از تروریسم را با منافع خود در تضاد نمی‌داند. شاید یکی از اشتباه‌های استراتژیک دولت مردان افغانستان و کشورهای غربی، ندیدن این واقعیت در سیاست‌های پاکستان بوده است. افغانستان و جامعه جهانی در پانزده سال گذشته، از کشوری انتظار همکاری و کمک به روند صلح و مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم داشته، که خود در پرورش و ایجاد گروه‌های تروریستی نقش اساسی را ایفا می‌کرده است.

سخنان آقای مشرف هرچند چیز تازه‌یی را در مورد سیاست‌های پاکستان برمی‌آورد، اما به‌صورت علنی این سیاست‌ها را از زبان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های سیاسی این کشور از ارایه می‌دهد. آقای مشرف زمانی این سخنان را بر زبان آورد که یک بار دیگر دولت مردان افغانستان از همکاری‌های پاکستان در تأمین امنیت و ثبات سخن می‌گویند. هیأت افغانستان

سخن ماندگار

شورای حراست و ثبات در برزخ اتحاد و اختلاف

روز گذشته، کابل شاهد نشستی با حضور شماری از رهبران و چهره‌های سیاسی و جهادی زیر نام «شورای حراست و ثبات» بود. در این نشست، از بدتر شدن وضعیت امنیتی در بهار آینده اظهار نگرانی شده است. اعضای شورای حراست و ثبات، عمدتاً در دوران حامد کری در ساختار دولت و حکومت بودند و در مناصب بلند کار کرده‌اند. سخن این شورا هرچند حمایت از نظام و ایجاد اصلاحات بود؛ اما اعضای آن هشدارهایی هم نسبت به کارکرد نظام داشتند.

البته این نخستین بار نیست که چنین شورایی در کشور شکل می‌گیرد. در گذشته نیز بارها شوراهایی از همین دست، در فرصت‌های خاص سیاسی شکل گرفته و وارد میدان شده‌اند. هنوز معلوم نیست که کار این شورا - که رهبران آن از چهره‌های مطرح اند - به کجا می‌کشد. اما یونس قانونی معاون این شورا، این سخنان را که کسانی به‌هدف دست یافتن به قدرت، این حرکت را سامان داده‌اند، رد کرد و اهداف آن را افغانستان‌شومول و مصلحت‌اندیشانه خواند.

ولی به هر رو، دیروز در سخنان اعضای رهبری شورای حراست و ثبات در افغانستان، ما شاهد برخی تناقض‌گویی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها نیز بودیم؛ مثلاً آقای قانونی از نیاز جدی اصلاحات در نهادهای انتخاباتی سخن گفت و تأکید کرد تا زمانی که این نهادها اصلاح نشوند و نظام انتخاباتی اصلاح نگردد، برگزاری هیچ انتخاباتی امکان ندارد. سخنران دیگر، آقای مدبر به برگزاری انتخابات و مشخص شدن تاریخ آن اشاره کرد و هیچ تماسی با ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی نگرفت. آقای ارغندیوال نیز هشدار داد در صورتی که این شورا به اهدافش پایبند نباشد، از آن کناره خواهد گرفت. همه این‌ها، حکایت از چنددسته‌گی و بی‌برنامه‌گی اعضای این شورا دارد.

مسئله تناقض‌گویی و بی‌باوری در چنین نشست‌هایی، از مشخص نبودن اهداف حکایت می‌کند. حال آن‌که باید در نخست، رهبران این شورا اهداف مبارزاتی خود را مشخص می‌کردند و سپس، چنین نشستی در حضور رسانه‌ها و مردم را تدارک می‌دیدند. ولی چنان‌که دیده شد، میان ادبیات آقای قانونی و ادبیات مدبر و برخی‌های دیگر، تفاوت‌های کلان وجود داشت؛ تفاوتی که می‌شد از دل آن، چند تیم متفاوت سیاسی را نظاره کرد؛ تیم‌هایی که اختلاف آن‌ها بیش از اتحاد به چشم می‌خورد.

استاد سیاف نیز در این نشست، سخنان گذشته‌اش درباره مجاهدین و جهاد را با شور و حرارت خاص مطرح کرد و از حفظ نظام موجود سخن گفت. اما آقای قانونی با تمديد توافق‌نامه سیاسی مخالفت کرد. با توجه به چنین وضعی، در کنار این‌که این شورا می‌تواند برای افغانستان مفید ارزیابی شود، با مشکلات و موانع کلانی نیز روبه‌رو است که می‌طلبد اعضای آن به حل آن‌ها اقدام کنند.

شاید این شورا فقط به عنوان شعار سیاسی مطرح باشد؛ زیرا به‌وجود آوردن یک اپوزیشن در برابر حکومت وحدت ملی، بدون داشتن برنامه روشن و شفاف، به جایی نمی‌رسد. کسانی که امروز در این شورا هستند، میان ریاست‌طلبان و صدارت‌طلبان، یعنی میان محافظان نظام ریاستی و موافقان نظام صدارتی تقسیم می‌شوند و معلوم نیست که هر عضو این شورا از شکل‌گیری لویه‌جرگه برای تعدیل قانون اساسی، چه برداشت و هدف‌هایی را دنبال می‌کنند.

امروز مردم افغانستان همه سیاست‌فهم شده‌اند و افراد و چهره‌ها را خوب بررسی می‌کنند و شوراها را به نقد می‌کشند. به نظر می‌رسد که اعضای این شورا را کسانی تشکیل می‌دهند که در بسیاری موارد به‌جز مجاهد بودن، با هم اشتراک ندارند.

اما نگاه شورای جدید نسبت به آینده، بسیار مهم به نظر می‌رسد. نگاه این شورا با نگاه بیرون، در تحلیل و پیش‌گویی وضعیت بهار آینده همسان است و نکته اتحاد و به‌وجود آمدن شورا نیز همین مسأله است. ولی این‌که شورا در برابر تهدیدهایی که در بهار آینده احتمال آن می‌رود، چه برنامه‌هایی دارد، معلوم نیست. این شورا زمانی می‌تواند موثر باشد که مورد استفاده یک سیاست‌مدار درک‌مین‌نشسته قرار نگیرد.



سفر به چین

یادداشت‌هایی از سفر به چهاردهمین نشست شانگهای

نظری پریانی / بخش اول



دختران به اصطلاح فمینیست خوب است، نصفش را خواندم و بعد به سراغ خواب رفتم. به عبارت دیگر، خواب به سراغ من آمده بود! مهمان‌داران، بسته‌هایی حاوی یک پارچه و یک بالشت کوچک به ما داده بودند و هر کسی به سویی افتاد. من رفتم و روی دو-سه صندلی هواپیما دراز کشیدم. هواپیمای آریانا در گل، بیش از بیست مسافر نداشت و قریب به ۹۰ درصد صندلی‌ها یا چوکی‌ها خالی بود.

به خوابیدن در هواپیما عادت ندارم، فقط خواستم به دو-سه دوستی که نزدیک هم بودیم، اجازه بدهم که بخوابند. بعد از یک‌ونیم ساعت پهلو زدن، به خواب رفتم. شاید دو ساعت خوابیدم. وقتی بیدار شدم، دیدم همه دارند صبحانه می‌خورند. از جا پریدم و رفتم آبی به دست و صورت زدم و برگشتم و فقط یک گیلان چای گرفتم و بس.

در کابین ما، یکی حکایت داشت که تا صبح خوابیده و دیگری شکایت داشت که اصلاً نخوابیده. به هر رو، نزدیک هشت صبح به فرودگاه ژنگ ژو رسیدیم. از هواپیما پایین شدیم. خبرنگاران پیش از هیأت، پیاده شدند تا از پایین آمدن رئیس اجرایی کشور از پله‌های هواپیما فیلم و عکس بگیرند. من یکی راست به هدایت مهمان‌داران چینی که منتظرمان بودند، به موتوری که از قبل برای خبرنگاران در نظر گرفته شده بود، رفتم و دیگران هم بعدتر آمدند و وارد موتر شدند.

قرقیزستان و قزاقستان و سپس ارومچی (مرکز منطقه خودگردان سین‌کیانگ، استان مسلمان‌نشین چین) منتهی می‌شد. این شهر و حومه‌اش، یکی از شهرستان‌های سین‌کیانگ به‌شمار می‌آید. در ویکی‌پدیا آمده که نام «اورومچی» از زبان ترکی گرفته شده و به معنی «بیلاقی زیبا» است.

در کنار من، بشیراحمد قاسانی خبرنگار تلویزیون یک، نشسته بود و با هم از هر دری قصه می‌کردیم. خبرنگارانی که تجربه داشتند، می‌گفتند که سفر با رئیس‌جمهور خوب نیست؛ زیرا او همه مصارف و هزینه‌ها را به دوش خود رسانه و خبرنگار می‌اندازد، اما دکتر عبدالله خوب است؛ مصارف خبرنگاران را در هر سفر خودش از طریق ریاست اجرایی عهده‌دار می‌شود. آن‌ها از بابت این تفاوت خوش بودند!

فکر کنم یک‌ونیم یا دو ساعت گذشته بود و قصه‌ها هم گرم شده بود و برخی از دوستان همراه ما را نیز خواب فرا گرفته بود. مهمان‌داران این هواپیما که خانم‌ها و آقایان موقری بودند، غذا تعارف کردند. راستش برای اولین بار بود که در هواپیما چنین غذای مفصلی می‌دیدم. اما بدشانسی این بود که در شام همان روز سفر، در شهر نو کابل چپلی کباب خورده بودم؛ از این‌رو سعی کردم دچار پُرخوری نشوم.

بعد از صرف طعام شب، کم‌کم قصه‌ها پایان یافتند. از فرحناز فروتن - خبرنگار تلویزیون آریانا - کتابی گرفتم به نام «اتاقی از خود». دیدم خواندنش برای

گانش خداحافظی کرد و وارد هواپیما شد. هواپیما، به محض رسیدن رئیس اجرایی (معادل نخست‌وزیر) و هیأت همراهش، به راه افتاد. پیش از پرواز، در نشستی که در دفتر مطبوعاتی ریاست اجرایی با حضور دکتر رحیمی سخنگوی دکتر عبدالله داشتیم، ضمن ارایه معلومات لازم به ما، در مورد این سفر و اهداف آن گفته شده بود که سفر با هواپیما نزدیک به ۷ ساعت را در بر خواهد گرفت. اما رفتن به کشور رویایی چین همسایه در هفت ساعت، برایم سوال برانگیز بود؛ آخر، دم چین به دم بدخشان ما بسته است!

چین کشوری گسترده و کثیرالمیت با طبیعت متنوع و معروف است. این کشور با جمعیت ۱,۳۹۷,۸۵۰,۳۰۵ نفر (نفوس جهان در سال ۲۰۱۵) سومین کشور بزرگ دنیا با مساحت ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع است. عمق تاریخی و تمدن باستانی این کشور و افسانه‌هایی که درباره آن وجود دارد، بیشترین میزان علاقه‌مندی مرا به این کشور سبب شده است.

وقتی هواپیما به راه افتاد، یادم آمد که بارها شنیده بودم: در آخرالزمان، یاجوج و ماجوج (این نام در داستان‌ها و افسانه‌ها و اساطیر زیاد آمده است) از چین سر می‌کشند و به ملک ما می‌آیند و از این‌جا همه جهان را می‌خورند. شنیده بودم که زبان یاجوج و ماجوج را که آن طرف بدخشان قرار دارند، هیچ کس نمی‌داند. بر بنیاد شنیده‌ها، این موجودات افسانه‌یی منتظر نزدیک شدن قیامت و فرمان خداوندند و کوهی که بین چین و افغانستان است را می‌لیسند و سوراخ می‌کنند و می‌آیند. گفته بودند که یاجوج و ماجوج گوش‌های دراز دارند.



شنیدن این افسانه‌ها و قصه‌های خیره‌کننده در دوران کودکی و حتی در دوران نوجوانی و جوانی و حتی در عصر اطلاعات هم خیره‌کننده است. این افسانه‌ها دقایقی ذهن مرا به خود معطوف کرده بود. به هر صورت، از فضای کابل دور شده بودیم که میان دو تن از خبرنگاران دو رسانه تصویری، بحث جالبی در گرفت:

- نقشه هواپیما نشان می‌دهد که ما از فضای کشورهای آسیای مرکزی وارد چین می‌شویم. - نی بابا! نقشه خراب است... همین حالا ما از فضای ننگرهار وارد پاکستان و از آنجا وارد چین می‌شویم. بگویم‌گواها ادامه داشت، کسی هم حق پرسیدن را به خود نمی‌داد. هیچ کسی هم نمی‌دانست که سفر اصلی ما به کدام سمت چین است. نام جایی را که می‌گرفتیم، درست نمی‌دانستیم و تا آخر هم درست یاد نگرفتیم!

من در خلال بحث این دو عزیز و نقشه‌یی که هرچند دقیقه از اسکرین نمایش داده می‌شد، سکوت کردم. به درست بودن نقشه باور داشتم اما باخود می‌گفتم که چرا هواپیما مستقیم به چین نمی‌رود. مسیری که ما می‌پیمودیم، از کابل به فضای تاجیکستان،

وقتی بیک‌های همراه ما در دروازه خاص یا وی‌آی‌پی فرودگاه کابل چک می‌شد، سروصدا بلند شد: «این بیک از کیست؟»

سگ بازرس، یکی از بکس‌ها را مشکوک ارزیابی کرد و بر سر آن ایستاد و نشانه‌هایش را به کار برد. بچه‌های امنیتی: «این بکس از کیست؟» هیچ کس - حتی صاحبش - جرأت نداشت که بگوید از من است!

سگ، بی‌تابی می‌کرد و مسوولان جدیت به خرج می‌دادند. همه وارخطا شده بودند. همه ما را از نزدیکی بکس‌ها دور کرده، به سالون هدایت کردند و فقط یک خبرنگار که نامش محفوظ است، خودش را به بکس رساند. دقایقی گذشت و همه ما متعجب شدیم که این خبرنگار چه با خود می‌برده است.

یادم نرود، وقتی ما خبرنگاران به سوی میدان می‌آمدیم، به شوخی از همین خبرنگار پرسیده بودم که چه چیزی را می‌شود به چین قاچاق کرد، و او هم پاسخ‌هایی داده بود و همه با هم خندیده بودیم. حالا همه دوستان به من خیره شده بودند و من هم نامش را تا مشخص شدن وضعیت، قاچاق‌بر گذاشتم. برخی از همراهان من گفتند که «پریانی صاحب شما نفر را شناخته بودید...!»

نزدیک به نیم‌ساعت گذشت و بسیار هم سخت گذشت. دوستی را گفتم که بیرون برود و احوال بیاورد. او آمد:

- خیریتی است... چک شد و آن طرف، داخل میدان است.

- چه شد؟ اصلاً چه بود؟
- نمی‌دانیم اما چک شده!

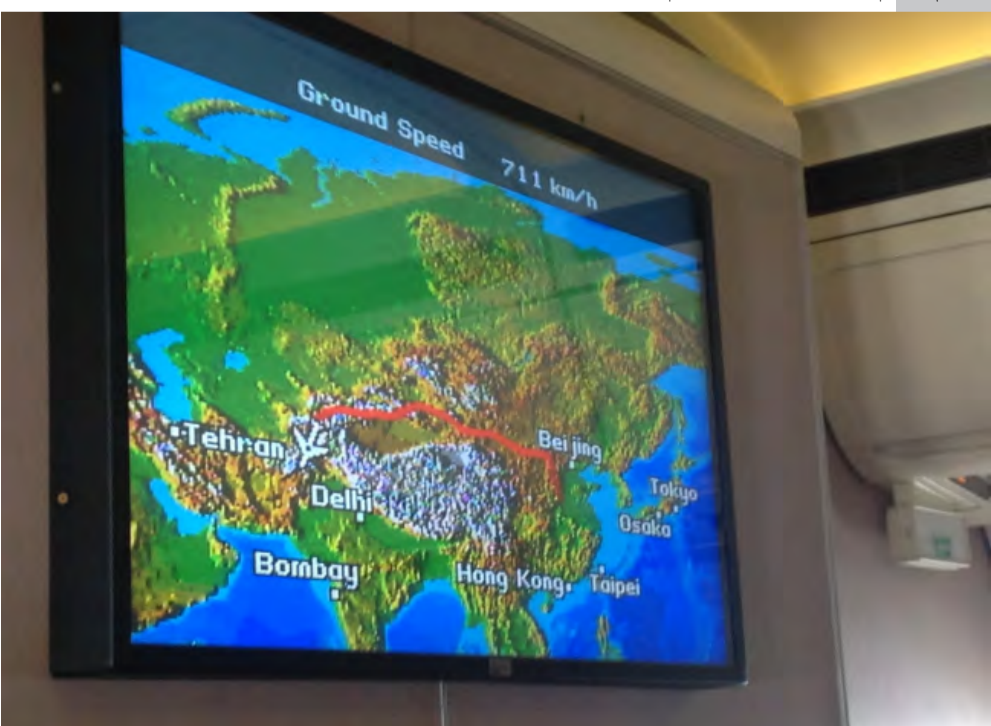
دقایقی گذشت که خبرنگار مشکوک با لبان پُرخنده وارد سالون شد.

- چه شده؟
توضیح داد:

- چون تفنگچه به کمر می‌بندم، بوی باروت و مرمی در کمر پتلونم در بیک، سگ بازرس را حساس ساخته و سبب این جدیت شده است. البته قبلاً تبصره کرده بودیم که شاید نصور، سبب این همه جنجال شده باشد!

یک ساعت بعد وارد هواپیما شدیم. سال‌ها بود که انتظار رفتن به چین را داشتم. چین شامل چند کشور در جهان است که دوست داشتم و دارم به آن‌ها سفر کنم. به همین دلیل می‌خواهم در عصری که کمتر سفرنامه می‌نویسند، یادداشت‌هایی از این سفر را بنگارم. این سفر سیاسی بود و به هدف شرکت در چهاردهمین نشست شانگهای.

یکشنبه ۲۲ قوس ۱۳۹۴ / ۱۳ دسمبر ۲۰۱۵، ساعت ۱۰ شب برای شرکت در چهاردهمین نشست نخست‌وزیران عضو شانگهای، با چند خبرنگار و همراه با هیأت رئیس اجرایی کشور، به سوی چین، شهر ژن ژو، با هواپیمای آریانا، به پرواز شدیم. آقای عبدالله با استقبال کننده



بخش نخست

آکار

روزمره برای بهبود سلامتی



فاطمه مهدی پور

خیلی از مردم تصور می‌کنند که برای سالم بودن باید هزینه‌های زیادی کنند. اما در اکثر موارد عادت‌های درست و کارهای ساده روزمره تأثیر زیادی در سلامتی، بهبود خلق و خوی و شادابی دارند. عادت‌های درست یا نادرست روزمره در طولانی مدت تأثیر زیادی روی بدن می‌گذارند. در این مطلب، شما با ۸ عادت روزمره صحیح که تأثیر مثبتی روی سلامتی جسم و روح می‌گذارند، آشنا می‌شوید.

روزی دو مرتبه مسواک زدن

نتایج پژوهشی که در *American Journal of Medicine* به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد که مسواک زدن دندان‌ها به صورت روزانه خطر بروز سکتته مغزی را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش دیگری که در *Journal of the American Geriatric Society* به چاپ رسیده است نیز خبر از افزایش ۶۵ درصدی زوال عقل در افرادی می‌دهد که دندان‌های خود را مسواک نمی‌زنند.

از دیگر اثرات مثبت مسواک زدن روزانه، کاهش بیماری‌های لته/بیره است که می‌توانند به بیماری‌های قلبی، افتادن دندان و عفونت منجر شوند.

عدم رعایت بهداشت دهان و دندان در مردها امکان ابتلا به ناتوانی جنسی را بالا می‌برد. این مشکل در خانم‌ها نیز باعث به دنیا آوردن فرزندان نارس و کم‌وزن می‌شود.

برنامه‌ریزی برای روز بعد

اگر روز شلوغی در پیش دارید، بهتر است آن را از شب قبل برنامه‌ریزی کنید. این کار باعث صرفه‌جویی در وقت شده و باعث می‌شود در روز کاری احساس بهتری داشته باشید.

این کار همچنین باعث کاهش استرس روز کاری می‌شود و در نتیجه لازم نیست از وعده صبحانه بزنید و با تنش، روز کاری را به پایان برسانید. حتماً می‌دانید که استرس و تنش‌های روزمره تأثیر نامطلوبی روی سلامت جسم و روح دارند.

ورزش روزانه

کافی‌ست که روزانه بین بیست تا سی دقیقه ورزش کنید تا تأثیر آن را روی سلامتی روح و جسم‌تان مشاهده کنید. ورزش کردن با افزایش آندورفین در جریان خون، باعث کاهش استرس‌های جسم و روح شده و شما را خوش‌خلق می‌کند.

علاوه بر این، ورزش کردن با افزایش جریان خون و کاهش استرس به ارتقای سلامت قلب کمک می‌کند.

تحریک بدنی منظم، یکی از عوامل کاهش خطر زوال عقل مربوط به سالمندی است. این کار باعث تقویت حافظه شده، وزن را کنترل و قدرت عضلانی را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از خواص غیرقابل انکار ورزش، مقابله با اعتیاد به مواد مخدر یا مصرف الکل است؛ چون باعث افزایش تولید دوپامین یا همان هورمون خوش‌خلقی شده و میل به مواد مخدر و غیره را کاهش می‌دهد.

منبع: تیبیان

بخش دوم

هایدگر

با ما از چه می‌گویید؟

محمدحسن شاهکویی

موضوع این است که سوژه گوهرین اندیشنده دکارتی، به عنوان یک جهان، زمانی مستقل از ایزه، فی‌نفسه وجود داشته است؛ به گونه‌یی که نسبت به سوژه در نزد دکارت و کانت پیشینی‌تر است و به همین دلیل، این روش ناپسندی است که فلسفه از چیزی آغاز کند که از لحاظ هستی‌شناختی، وجود خودش هنوز اثبات شده نیست. بنابراین، به زعم هایدگر، وجود باید اول خودش به عنوان چیزی مستقل و بیرون از هستی موجودات (یا وجود حاضر در جهان یا وجود حاضر غایب) اثبات شود. زیرا وجود یک مفهوم کلی است که نمی‌توان آن را در هیأت موجودات محدود کرد. به زعم او، خلط کردن موجودات با هستی (یا وجود و موجود)، اشتباه همه فلسفه‌هایی است که بنیادشان بر سوژه گوهرین اندیشنده دکارتی استوار بوده است. زیرا این سوژه هرچند به عنوان «امتداد» باقی می‌ماند و در جایگاه تعیین بنیادین «جهان»، از توجیه پدیدار خاص خودش قاصر نیست و مکان گاه این امتدادها را نشان می‌دهد، ولی از لحاظ هستی‌شناختی نه مکان گاه جهان را می‌توان از آن دریافت و نه حتماً مکان گاه دازاین را. بنابراین، در نزد هایدگر طرح دازاین (وجود حاضر در جهان)، در واقع، ایجاد زمینه‌یی است برای گشودن مشکلی که دکارت آن را حل نکرده باقی گذاشته است:

چه‌گونه‌گی گذار سوژه خودبنیاد و خودآیین از شکاف میان «من» و «نامن» (یا ذهن و عین یا روح و ماده).

در این رابطه باید به یاد داشت که نزد هایدگر، «فهم» نسبت به اندیشه یا

آگاهی دکارتی پیشینی‌تر است. همان فهم دازاینی (به نحوی هم سرآغاز و هم سرچشمه و به منزله حالت بنیادین هستی دازاین)، آن وجود یا هستی امکانی است که در گذار از من به نامن، عمل را به صورت ذهنیتی که سابق به صورت شیء است، حمل و اعمال می‌کند و به این معنی، فلسفه هایدگر عمیقاً پوزیتیویستی و آزمون‌ی هم هست (که آگزیستانسیالیسم سارتر نیز از آن تأثیر گرفته است و من آن را پایین‌تر توضیح خواهم داد). ولی چون همین هستی امکانی به محض این‌که پدیدار شد دیگر پیدا نیست، یعنی صورت شیء پیداست نه خود هستی (یا وجود حاضر غایب) که مضمون آن است، به همین دلیل، آیا شناخت وجود یا هستی، به زعم هایدگر، دست نمی‌دهد مگر با مکاشفه یا شناخت حضوری، با توجه به این‌که ایده‌آلیسم فلسفی به ویژه فلسفه امثال هایدگر، سرشته عرفان‌بافی است؟ آیا بدین علت است که شناسایی هستی هایدگری منطقاً و عملاً تعلیق به محال می‌شود و بدین سان، سوژه (یا دازاین) حتا نزد خودش لامکان می‌شود؟ زیرا نزد هایدگر، دازاین به عنوان روح، به شیوه‌یی در مکان جا می‌گیرد که هیچ شیء مادی ممتدی نمی‌تواند جا بگیرد. و این، منطقاً چیزی جز لامکان نیست. گرچه دازاین به عنوان جسم، مکانی دارد مثل کره زمین در فضا: دازاین تا وقتی که هست، همان‌گونه تقرب می‌جوید و رفع حجاب می‌کند، حجات راست و چپ را پیوسته با خود دارد. با همین روش، مکان گاه دازاین از لحاظ جسمانیت وی، معین می‌شود. به رغم این متفاوتی غلیظ، هایدگر



فکر استعلا را که به گفته او ریشه در جزمیت مسیحی دارد و معتقد است انسان چیزی بیش از موجود بهره‌مند از فهم و خرد بوده و می‌تواند به فراتر از خود برسد، مورد انتقاد قرار می‌دهد. همان‌گونه که این حرف هگل را نیز که کلی در چیزی وجود دارد و هر چیز خود یک قیاس است، مورد انتقاد قرار می‌دهد. می‌گوید: وقتی می‌گوییم هستی کلی‌ترین مفهوم است، به آن معنی است که تاریک‌ترین مفهوم است. وجود ممکن نیست به منزله موجود تلقی شود. اما در عین حال می‌گوید: این موجود نمونه (موجود از حیث هستی‌اش) که درون هر یک از خود ماست، ما آن را دازاین اصطلاح می‌کنیم. این حرف که ظاهراً میان کلی و جزئی وحدت ایجاد می‌کند، به نظر می‌رسد که مغایرتی با حرف هگل نداشته باشد. مگر نه این است که دازاین کل اصیل است با بنیان آگزیستانسیالیسم؟ اما هایدگر می‌گوید، این پرسش تنها وقتی ممکن است که بر مبنای آزمون‌ی و پدیدارین گذاشته شود، تا دازاین بتواند بر اصالت ممکن هستی‌اش تکیه کند.

آن سخن‌های هایدگر در کنار این سخنش که وجود به محض این‌که صورت چیزها پدیدار شد دیگر پیدا نیست، یعنی صورت شیء پیداست نه خود وجود یا هستی؛ آری، با این سخن‌ها، هایدگر که می‌گوید دازاین از همان آغاز ممکن بودن است، رابطه ذات و نمود را قطع می‌کند و از این راه، نوعی پوزیتیویسم اروپای قاره‌یی ایجاد می‌کند، با این فرق که او می‌کوشد تا نخست مثل آنگلوساکسونی‌ها، خود را از سوژه اندیشنده دکارتی و عقل فراتری کانتی و شیء فی‌نفسه او خلاص کند، ولی بی‌آن‌که بگوید شناختن ذات امکان‌پذیر نیست، تا به نوعی بتواند سوژه یا دازاین (یا وجود حاضر در جهان) را که به گفته خود او، در قیاس با موجودات دیگر موجودی مشخص و ممتاز است، بر جای آن بنشانند. و دوم این‌که با برتری دادن مطلق به وجود (یا سوژه یا دازاین) که اوصافش را در بالا دیدیم، می‌کوشد تا با نوعی وفاداری به سنت فلسفی آلمان، خود را از پوزیتیویسم آنگلوساکسونی که ابداً اعتباری برای بحث وجود و ماهیت آن قایل نیست، متفاوت و متمایز کند. چنان‌که می‌گوید پژوهش علمی نه یگانه نوع برای دازاین است و نه نزدیک‌ترین نوع هستی ممکن به او. و در این راه، هایدگر حتا رابطه مکان و زمان را با آن خصوصیت پوزیتیویستی که مخصوص او با آن سنت فلسفی آلمانی‌اش است، شرح می‌کند: در نزد او مکان به عنوان یک امر پیشینی به زمان وابسته نیست. گرچه قدرتش را از نوع هستی دازاین دارد.

آرمان شهرکی

در این نوشتار سعی دارم داستان قدیس مانوئل نیکوکار شهید نوشته نویسنده اسپانیولی داوامونو را از زاویه مفاهیم عمده و مطرح در انسان‌شناسی توسعه مورد کنکاش قرار دهم؛ از این جهت شاید تحلیل بنده چندان واجد خصوصیات یک نقد ادبی نباشد و بیشتر به برجسته‌گی و پیدایی بیشتر جنبه‌هایی از روایت داستان می‌پردازد که گواه و بازتاب‌دهنده دغدغه‌های انسان‌شناختی نویسنده است. داستان یادشده، یکی از سه داستانی است که در کتابی زیر عنوان «هابیل» با ترجمه «بهاء‌الدین خرمشاهی» از سوی نشر ناهید در سال ۱۳۸۵ به چاپ پنجم رسیده و روانه بازار کتاب شده است.

میگوئل ده اونامونو (Miguel de Unamuno) نویسنده وجودگرای اسپانیایی در داستان یادشده و از زبان دخترکی روستایی - آنخلیتا - به شرح زنده‌گی پُرآلام کشیشی بی‌ایمان - قدیس مانوئل - در دهکده‌یی دورافتاده می‌پردازد. آنخلیتا در سن ده ساله‌گی روستای زادگاه خویش - وال ورزه (Valverde) - را به اصرار برادرش - لائارو - و به قصد تحصیل در مدرسه راهبه‌گی ترک می‌کند. در ۱۵

ساله‌گی و به هنگام بازگشت به روستا و تحت تأثیر جذبۀ قدیس مانوئل و شیفته‌گی همه‌گیر او در روستا، به دستیاریش در انجام مأموریت‌های مذهبی می‌پردازد و چنان پیش می‌رود که به شاهد و شارح تیزبین روح و روان قدیس بدل گشته و هر روز که می‌گذرد، ارادت و خاکساری‌اش نسبت به او دوچندان می‌شود تا این‌که سرورکله برادر آنخلیتا که از امریکا بازمی‌گردد، پیدا شده و در کنکاشی مجادله شورانگیزی که میان برادر و قدیس در می‌گیرد؛ آنخلیتا درمی‌یابد که اگر چه قدیس مانوئل در مومن گردانیدن ظاهری برادر نامعتقدش توفیق یافته و از این جهت ایمان تمامی اهالی روستا نسبت به خویش را نیز تعمیق بخشیده، اما خود از بی‌ایمانی مزمونی رنج می‌برد که در طول عمر، تمامی هستی‌اش را تحت سیطره خویش داشته و فرسوده و مستهلکش ساخته است. لائارو و قدیس مانوئل با ایمان به بی‌ایمانی خویش اما عملاً مومن در همه کردارها می‌میرند و آنخلیتا، خاطرات خویش از آن دو و نحوه زیست‌شان در والورزه را مرور می‌کند.

اول: لائارو

نخستین مدخل ما برای ورود به جهان داستان - منطبق با ترتیب پیش روی آن - آن‌جاست که نویسنده به یکی از فرض‌های اصلی مدرنیته، جهانی شدن و سرمایه‌داری که با تأکید بر شهرنشینی و صنعتی شدن دنیای روستایی را واجد خصوصیات پست و حقیرانه می‌داند؛ حمله می‌برد. این چنین فرضی خود را در مدل‌های کهنه راهبردهای بالا - پایین توسعه (روستایی، شهری - صنعتی، سنتی - توسعه یافته، توسعه نیافته) بازتاب می‌دهد و نتیجه محتومش از رهگذر فرهنگی اسپانیایی نویسنده، چیزی جز امریکایی شدن جهان نیست. آنخلیتا ضمن اشاره به پولی که برادرش برای‌شان می‌فرستد، به این توصیه او اشاره می‌کند که «چیزی که برای آنخلیتا مهم است این است که عقل و کمالتش بالا برود و ناچار نشود با دختردهاتی‌ها سرورکله بزند» (۱، ص ۲۲۶). جایی دیگر آنخلیتا حرف‌های لائارو را به یاد می‌آورد که می‌گفته «آدم در این ده‌کوره‌ها

گیج و منگ می‌شود؛ خصلت حیوانات را پیدا می‌کند... تمدن و شهرنشینی نقطه مقابل این دهاتی‌بازی‌هاست... توی اسپانیا مردها از بس مهمل و بی‌وجودند، کنشش‌ها از زنها سواری می‌گیرند و زن‌ها از مردها؛ جهل و حماقت دهاتی‌ها و گنداب فیودالیسم به کنار» (پیشین، ص ۲۴۲) از نظر نویسنده، حرف‌ها و عقایدی که لائارو از امریکا تحفه آورده، چیزی نیست مگر تبلیغات و ابطال ترقی خواهانه‌یی که از جار زدن آن‌ها نه لائارو که هیچ‌یک از اهالی روستا بهره‌یی نخواهند برد. اعتقاد لائارو به تمدن اعتقادی تک‌بعدی و تک‌خطی است که در نهایت به امریکایی شدن می‌انجامد و او اصولاً جهان منطبق با چنین توسعه‌یی را تنها جهان موجود می‌داند و حرمتی برای فاعلیت محلی (local agency) قایل نیست. در این جا بی‌ایمانی از نوع امریکایی در امتزاج با تمدن و شهرنشینی خصلتی خرفت‌گونه پیدا کرده است که گوش شنوایی در دهکده نمی‌یابد. اگر چه همان پولی که او از امریکا برای خانواده می‌فرستد، موجبات تحصیل خواهرش در مدرسه راهبه‌گی را فراهم می‌آورد که انسان را به یاد ستایشی می‌اندازد که مارکس به بورژوازی نثار می‌کند.

دوم: دن مانوئل

آنچه دن مانوئل را محبوب قلوب ساکنین روستا قرار داده است، جنبه بسیار عملی و کاربردی آن اندیشه‌هایی‌ست که در سر دارد. او ازدواج‌ها را سرورسامان می‌دهد؛ پدران و مادران را با فرزندان آشتی می‌دهد؛ به بهداشت و سر و وضع روستاییان می‌رسد؛ به عبادت بیماران می‌رود؛ تسامح و تساهل می‌ورزد؛ به نامعتقدان، فراماسون‌ها، لیبرال‌ها یا مرتدان سخت نمی‌گیرد و از مضرات مطبوعات سخن نمی‌گوید. به‌طور کل، او بیشتر در جهان عمل سیر می‌کند تا نظر. در مباحث انسان‌شناسی توسعه، اگر چه واکاوی و شالوده‌شکنی اصول و فرضیات توسعه - پارادایم‌های مسلط توسعه - از سوی انسان‌شناسان با آغوش باز پذیرفته می‌شود، اما به این امر نیز توجه می‌شود که اگر انسان‌شناسان خواستار آنان تا هجوم آنان به نفس و خود ایده توسعه معنادار تلقی گردد، باید چنین صورتی (form) را با محتوایی در خور که واجد محسوسیت بوده و مشهود باشد؛ انباشته سازند. خصلت کاربردی (applied) نظورزی‌های آنان باید در بستری از مشارکت هم‌دلانه که با استنباطی عمیق همراه است، ساخته و پرداخته شود. و چه درون‌نگری هم‌دلانه (introspective sympatical) بی‌از این عمیق‌تر که فردی در کسوت روحانی همچون دن مانوئل مدام به گشت‌وگذار در محیط دهکده و در میان مردم بپردازد. آنچه دن مانوئل در والورزه بدان مشغولیت دارد؛ مصداق بارز آنگونه از زندگی است که هانا آرنست فیلسوف آلمانی در کتاب خویش تحت عنوان «وضع

نگاهی از منظر انسان‌شناسی توسعه به داستان قدیس مانوئل نیکوکار شهید

که لائارو به همراه خویش تحفه آورده از دیدگاه دن مانوئل چیزی جز توهم نیست؛ مذهب و عنصر ایمانی که در آن نهفته است نیز کارکردی بیشتر از افیون بودن - نشانی از مارکسیست بودن نویسنده در جوانی - ندارد. «نه، لائارو نه؛ مذهب مشکل‌گشای مناقشات اقتصادی و سیاسی این جهان نیست که خود عرصه مجادلات بنی آدم است» (پیشین، ص ۲۵۹). خوف‌ناکی زنده‌گی برای دن مانوئل دووجهی است؛ از یک‌سو ریشه در خوفناکی توسعه‌یی دارد که دنیای جدید به همراه خویش به ارمغان خواهد آورد و از دیگر سو، تنیده شده در اوهام و خرافات مناطق محلی‌شده و بسته است.

سوم: یکی شدن لائارو و دن مانوئل

دن مانوئل به‌خوبی می‌داند که اگر آن‌چه در والورزه حاکم است، خرافات و مهملات نباشد؛ چندان نسبتی با حقیقت نیز ندارد، چه او قایل به وجود حقیقت و غایتی نیست؛ اما از دیگر سو از این‌که لائارو مدام بی‌ایمانی خویش را جار می‌زند و در کلیسا آفتابی نمی‌شود نیز ناراضی است. جنس مواجهه دن مانوئل با لائارو آکنده از تسامح و تساهلی است که انسان‌شناسان - دن مانوئل - و توسعه‌گران - لائارو - باید نسبت به یکدیگر بروز دهند. دن مانوئل به عنوان کشیش انسان‌شناسی که می‌داند کشت بذر ترقی‌خواهی لائارویی بر بستر سنتی و مذهبی والورزه به چیزی جز آشوب و ناامیدی منجر نمی‌شود، از او می‌خواهد که حتا اگر ذره‌یی هم ایمان و احساس مذهبی ندارد؛ وانمود به داشتن کند، همان کاری که کلیسا می‌کند و از این طریق زنده‌گی را برای مردم زیستنی جلوه می‌دهد. دن مانوئل



حقیقت بازدارد و به ما گوش‌زد کند که تنها می‌توان به بی‌ایمانی ایمان داشت. چنان‌که او زمانی تصریحاً گفته است: «رسالت او این است که در دل مردمان بذر شک، بی‌اعتمادی و بی‌آرامی بپاشد» (پیشین، ص ۲۱). آن‌چه از دست آدمی - به‌خصوص انسان‌شناس و توسعه‌گر - برمی‌آید آن است که در ترسیم و طراحی خواب و خیالات برای مردم تا جایی که می‌تواند جانب احتیاط را رعایت کند تا با کمترین هزینه خلق شوند.

منابع:

- ۱- اونامونو، میشل، هابیل، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر ناهید، چاپ پنجم؛ ۱۳۸۵
- ۲- ویکی پدیا
- ۳- فصل‌نامه بخارا، شماره ۵۸ (ویژه‌نامه هانا آرنست)، زمستان ۱۳۸۵
- ۴- سایت انسان‌شناسی و فرهنگ

میگوئل ده اونامونو (۲۹ سپتمبر ۱۸۶۴، ۳۱ دسمبر ۱۹۳۶) مقاله‌نویس، رمان‌نویس، شاعر، نمایشنامه‌نویس و فیلسوف اسپانیایی متولد شهر بلبائو، ایالت باسک، اسپانیا می‌باشد. علاوه بر نگارش، اونامونو نقشی فعال در حیات روشن‌فکری اسپانیا ایفا می‌نمود. از ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۴ و از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶ رییس دانشگاه سالامانکا بود. در سال ۱۹۲۴ به دنبال شورش‌های روشن‌فکرانه از سمت خویش برکنار شد و تا سال ۱۹۳۰ روزگار در تبعید گذراند. اما از تبعیدگاه خویش گریخت و وارد فرانسه شد. پس از فروپاشی دیکتاتوری پریمو دریورا (Primo de Rivera) بار دیگر به ریاست دانشگاه منصوب شد. مشهور است که روزی که به دانشگاه بازگشت؛ نطق خویش را چنین آغاز نمود: «همان‌طور که دیروز گفتم...». با سقوط دیکتاتوری، اسپانیا وارد جمهوری دوم شد؛ تلاشی کوتاه از سوی مردم اسپانیا تا سرنوشت کشور خویش را در دست گیرند. اونامونو در یکی از احزاب کوچک کشورش نامزد شد. در نتیجه به قدرت رسیدن فرانکو، اونامونو بار دیگر از سمت خود برکنار شد. اما در سال ۱۹۳۶ مجادله‌یی شورانگیزی با جنرال ملی‌گرا میلان آشرای به‌راه انداخت به‌نحوی که او و سایر اعضای جنبش فالانژ را به باد انتقاد گرفت. در نتیجه چنین کشمکش بود که تا آخر عمر در حصر خانگی بود تا این‌که چند هفته بعد در اثر سکته قلبی در خانه خود در گذشت. فلسفه اونامونو چندان نظام‌مند نبوده، اما متأثر از راسیونالیسم و پوزیتیویسم بوده است؛ آن‌چنان‌که در جوانی مقالاتی نگاشته که تحت تأثیر وضعیت اسپانیای آن موقع، به‌وضوح همدردی‌اش را با سوسیالیسم بازتاب می‌دهد. در مهمترین اثرش، سرشت سوگناک زنده‌گی (The Tragic Sense of Life) (Del Sentimiento Trágico de la Vida) این ایده را بسط می‌دهد که راه بهتر فهمیدن تاریخ این است که نه بر پیمان‌های سیاسی و جنگ‌ها، بلکه بر تواریخ بی‌اهمیت انسان‌های گمنام نظر افکند. گرچه اونامونو در نهایت به گونه‌یی اگزیستانسیالیسم گروید؛ اما همواره موضع خویش را نسبت به چپ و راست حفظ کرد.

با اشراف به وجود «فرق» میان جهان زیست (lifeworld) لائارو و روستاییان، ضمن تشخیص چنین فرقی در همان حال آن را نفی نیز می‌کند - فراموش نکنیم که از دید دن مانوئل، روستاییان سراسر غرق در وهم و خیال‌اند و نیز ترقی‌خواهان - و با توصیه به لائارو مبنی بر پنهان نگاه داشتن حقیقت تحمل‌ناپذیر و خوفناک، تلخ و مرگبار که مردم عادی نمی‌توانند با آن زنده‌گی کنند؛ در واقع از او توقع دارد تا زمینی - دهکده والورزه به عنوان یک موجودیت سیال (fluid entity) - که قصدش بر آن است تا توسعه را به عنوان موضوع اندیشه و عمل در آن ظاهر نماید؛ مورد آزمون و واکاوی قرار داده و خود را در فضایی قرار دهد که بتواند به جهان دگرگونه بنگرد.

چهارم: آنخلیتا

اگر لائارو و دن مانوئل به‌واسطه درک عمیق و مشترک‌شان از هستی به توافقی پایدار و مستحکم رسیدند؛ اما آنخلیتا که نمی‌تواند جانب آن‌ها - پدر روحانی و برادر و پدر جسمانی‌اش - را بگیرد؛ کماکان برای رسیدن به ایمان و انگیزه‌های مقدس تقلا کرده و دست و پا می‌زند. اما تنها رهاوردش چیزی جز حیرانی و سرگردانی نیست؛ چیزی که گیس‌هایش را همچون تجربیاتی که از سرگذرانده؛ بی‌رنگ و رونق کرده است. در تشخیص واقعی و غیر واقعی، در مانده و نمی‌داند که زمانی به چه چیزی ایمان داشته و یا این‌که دیگران به چه چیزی ایمان داشته‌اند. تمامی تلاش اونامونو این است که ما را از تلاش برای

بشری» از آن با اصطلاح « زنده‌گی وقف عمل» (viva activa) در برابر «زنده‌گی وقف نظر» (viva contemplative) یاد می‌کند. گونه‌یی از زنده‌گی که از مرحله دون مشقت - زنده‌گی روزمره - آغاز شده و به مرحله کنش، استعلا می‌یابد. منظور آرنست از کنش، تعامل اجتماعی مدام و مستمر با افراد است که از ویژه‌گی‌هایی همچون اقتاع، ابتکار و آزادی‌بخشی برخوردار است.

اگر چه شادی بی‌تشویش دن مانوئل گذرا و بازتاب زمینی اندوهی بی‌پایان و ابدی است که از چشم و گوش دیگران پنهان نگاه داشته شده؛ اما او قاطعانه به ایجاد شادی در زنده‌گی ایمان دارد، به نحوی که خود در تولید آن شرکت می‌جوید؛ در رقص دختران و پسران شرکت جست و خود بر طبل‌ها می‌کوبد. او اگر چه در عمق وجود خویش دچار یأس و نومیدی و در دلش شهری آب‌گرفته و مغروق است، اما ایجاد شادی را برای گذران زنده‌گی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. دن مانوئل به این امر واقف است که دیر یا زود، والورزه ناگزیر از تماس با دنیای جدید - لائارو آینه‌یی‌ست که زیست جهان کلان‌شهر مادرید را در عرصه والورزه منعکس می‌سازد - است؛ دنیایی که رهاوردش جز «توهم ترقی و پیشرفت» با همه عواقب سیاسی و اجتماعی خطرناکش، چیزی نیست. هم از این‌روست که به وجود مذهب و شادی در میان مردم تأکید دارد، البته مذهبی که در آن از تعصب و اندوه خبری نبوده و یک کشیش بتواند بی‌هیچ نیش و کنایه‌یی بر طبل بکوبد و برقصد. اگر پیشرفت و ترقی‌یی



در مراسم اعلام شورای حراست و ثبات افغانستان:

حجم توطیه بالاتر از توان دولت است

هارون مجیدی

شورای حراست و ثبات افغانستان دیروز (جمعه، ۲۷ آذر) در کابل اعلام موجودیت کرد.

در نشست که به همین مناسبت در رستورانی در شمال کابل برگزار گردیده بود، صدها تن از مجاهدین، اعضای پارلمان، منتقدین، جوانان و استادان دانشگاه اشتراک کرده بودند.

تحکیم پایه‌های وحدت ملی افغانستان، پُرزنگ شدن نقش مجاهدین در عرصه‌های مختلف کشور، بسیج مردمی برای تحکیم نظام و حکومت، شفاف‌سازی در روند صلح، شفاف‌سازی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون از سوی دولت، از اهداف تشکیل شورای حراست و ثبات افغانستان گفته شده است.

عبدرب الرسول سیاف چهره جهادی، محمد یونس قانونی معاون پیشین رییس‌جمهور، بسم‌الله محمدی وزیر پیشین دفاع ملی، عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس نمایندگان، امیر اسماعیل خان وزیر پیشین انرژی و آب، صادق مدیر رییس پیشین اداره امور، عبدالهادی ارغندیوال وزیر پیشین اقتصاد، عمرادوزی وزیر پیشین داخله و فضل‌هادی مسلمیار رییس مجلس سنا از چهره‌های اصلی این شورا به شمار می‌روند.

عبدرب الرسول سیاف از چهره‌های مطرح جهادی و از اعضای شورای حراست و ثبات افغانستان در نخستین همایش این شورا، با تشریح وضعیت نابه‌سامان افغانستان گفت که برای ایجاد هم‌چو یک شورا ضرورت احساس می‌شود.

به گفته او: هدف از راه‌اندازی شورای حراست و ثبات افغانستان تغییر مسیر مردم به طرف درست است.

استاد سیاف افزود: «با دیدن وضعیت کنونی کشور، ما احساس گناه کردیم که دست زیر الاشه نشسته و تماشاگر باشیم، به همین منظور با سایر بزرگانی که تشویب و نگرانی مردم را می‌دانستند، جمع شدیم و اقدام به ایجاد این شورا کردیم.»

به گفته استاد سیاف: اعضای این شورا نگرانی‌های مردم را با رییس‌جمهور مطرح کرده و برایش گفته‌اند که طرف‌دار سقوط نظام نیستند.

استاد سیاف در ادامه سخنانش با اشاره به دیداری که با رییس‌جمهور داشته‌اند، گفت: ما برایش گفتیم که طرفدار اصلاح هستیم، اگر وضع به همین منوال دوام یابد، نگرانی موجود است که بعداً جمع کردن آن از عهده ما (رهبران جهادی) و دولت نا ممکن خواهد بود.

این چهره جهادی افزود: «به رییس‌جمهور گفتیم که حجم توطیه بالاتر از توان دولت است و برای جبره این وضعیت نظامیان کشور که هر روز قربانی می‌دهند توانایی بیش از این را نخواهند داشت و روزی خسته خواهند شد که این خسته‌گی منجر به شکست می‌شود، شما نیروهای جهادی را با دولت یکجا سازید، مجاهدین گروه از کار افتاده و اکسپایر شده نیستند و باید از آنان استفاده شود.»

استاد سیاف گفت: امروزه طالب و داعش به روستاها می‌روند و فرماندهان جهادی را از خانه‌های شان بیرون کرده برای شان می‌گویند که شما دو راه بیشتر ندارید: یا با ما یکجا شوید یا گردن‌تان را می‌بریم و اما دولت از این نیروی توانا استفاده نمی‌برد.

به گفته این چهره جهادی، مجاهدین جنایت کار نیستند و رهبران کنونی دولت از برکت مجاهدین در چوکی نشسته‌اند.

استاد سیاف با تأکید گفت: این شورا، مردم رنج‌دیده افغانستان را از بدبختی و بی‌ثباتی اقتصادی، امنیتی و اجتماعی نجات خواهد داد.

استاد سیاف افزود: شورای حراست و ثبات افغانستان با درک مسوولیت دینی، ملی و وجدانی خود تصمیم گرفته تا به خاطر بقای افغانستان ملت مجاهد و مسلمان را به دور محور واحد گرد آورد.

سیاف گفت که آنها خواهان برگزاری لویه جرگه قانون اساسی، اصلاح نظام انتخاباتی، برگزاری انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولسوالی، اصلاحات در بخش امنیتی، اقتصادی و ارگان‌های محلی در مرکز و ولایات می‌باشند.

وی اظهار نگرانی کرده گفت که اگر اقدامات لازم صورت نگیرد، وضعیت به جایی خواهد رسید که کنترل آن از توان بیرون خواهد شد.

سیاف گفت که اگر دولت برنامه‌ی برای تغییر مثبت

معاون پیشین رییس‌جمهور، در بخش دیگری از سخنانش گفت که صلح در افغانستان نیاز و وجیهه دینی است و اما تا هنوز پاکستان از صلح به عنوان تاکتیک استفاده می‌برد و تغییر استراتژی مبارزه با تروریسم این کشور روشن و واضح نیست.

آقای قانونی از رهبران دولت خواست تا پروسه صلح را با شفافیت پیش ببرند تا اعتماد نیم‌بند شهروندان نیز از میان نرود.

عبدالهادی ارغندیوال وزیر پیشین اقتصاد و رییس حزب اسلامی افغانستان، یکی دیگر از سخنرانان این همایش گفت: اوضاع نا به‌سامان امروز افغانستان از ما می‌خواهد تا همه اختلافات خود را کنار بگذاریم و به دور یک محور جمع شویم.

به گفته این عضو شورای حراست و ثبات افغانستان، آنان برای مبارزه با افراطیت و به میان آمدن حکومت‌داری خوب کار می‌کنند.

عبدالروف ابراهیمی، رییس مجلس نمایندگان و عضو شورای حراست و ثبات افغانستان را در سخنانی اهداف بیشتر این شورا بیان کرد.

آقای ابراهیمی گفت که این شورا به هدف حراست از افتخارات ملی و تمامیت ارضی، آوردن ثبات اجتماعی و اقتصادی، تامین امنیت و تامین صلح پایدار، مبارزه در برابر نفاق قومی و مذهبی، حراست از اساسات اسلامی و ارزش‌های ملی و افتخارات جهاد و مقاومت مردم افغانستان و مقابله با چالش‌های موجود ایجاد شده است.

هم‌چنان ابراهیمی، آوردن اصلاحات، حمایت از نیروهای امنیتی، مباره با فساد اداری و مواد مخدر، حمایت از حقوق بشر، حقوق مشروع زنان و آزادی بیان در مطابقت به قانون اساسی کشور از اهداف دیگر ایجاد این شورا است.

به گفته رییس مجلس نمایندگان: تأکید بر رشد اقتصادی، فقرزدایی و ایجاد اشتغال، حمایت از دستاوردهای ۱۳ سال گذشته، جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته، خاتمه بخشیدن به بی‌باوری‌ها، مبارزه همه‌جانبه با تروریسم، افراط‌گرایی و خشونت، تقویت روابط با کشورهای همسایه، منطقه، کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان و موسسات بین‌المللی مبتنی بر احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر در چارچوب منافع ملی کشور نیز از اهداف این شورا می‌باشد.

ابراهیمی، تلاش برای ایجاد هماهنگی میان سیاسیون، بسیج شوراهای ولسوالی، شوراهای ولایتی، شورای ملی و برگزاری انتخابات مطابق قانون را از اهداف دیگر این شورا عنوان کرد.

محمد عمر داودزی وزیر پیشین داخله افغانستان و از اعضای این شورا در این همایش گفت: ترتیب دادن این شورا با توجه به وضعیت افغانستان کار دشواری نبود، چون همه مردم وجود این شورا را می‌خواستند.

به گفته آقای داودزی: ما نباید دستاوردهای چهارده ساله گذشته در بخش زنان، رسانه‌ها، جامعه مدنی و آموزش و پرورش را از دست بدهیم.

او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تلاش‌های اخیر دولت برای آوردن صلح در افغانستان گفت: نباید از پاکستان صلح خواست.

آقای داودزی خطاب به محمد اشرف‌غنی رییس‌جمهوری و با توجه به سیاست نزدیکی او با پاکستان برای آوردن صلح گفت: «این راهی که تو می‌روی به گورستان است.»

داکتر صادق مدیر عضو دیگر این شورا گفت: ما در این شورا نه به دنبال باج‌گیری سیاسی هستیم و نه هم هدف براندازی حکومت را داریم.

به گفته آقای مدیر: در پانزده ماه تشکیل دولت وحدت ملی هیچ‌گونه اقدام اساسی برای عملی کردن توافق‌نامه سیاسی ایجاد این دولت صورت نگرفته است.

امیر اسماعیل‌خان از اعضای دیگر این شورا در جمع‌بندی نخستین همایش شورای حراست و ثبات افغانستان گفت: می‌ترسیم آنچه که در خاور میانه میگذرد روزی در افغانستان تحمیل شود و ملت افغانستان بار دیگر صدمه ببینند.

او خطاب به رهبران دولت گفت که حساسیت موجود را درک کنید و برای بیرون رفت از آن در همکاری با مردم افغانستان برنامه‌ریزی داشته باشید.

در حالی که پیش از این از وحیدالله شهبانی وزیر پیشین تجارت و صنایع، عبدالرحیم وردک یکی از نامزدان پیشین انتخابات ریاست جمهوری و زلمی رسول از نامزدان پیشین انتخابات ریاست جمهوری به عنوان اعضای دیگر این شورا نام برده شده بود، اما این چهره‌ها در نشست دیروزی حضور نداشتند.

آیا افغانستان به سرطان داعش مصاب می‌شود؟

محمد اکرام اندیشمند

ظاهر قدیر معاون اول ولسی جرگه، روز دوم قوس ۱۳۹۴، از تقویت حضور داعش در ننگرهار و حمایت برخی مقامات دولتی کابل از حضور داعش سخن گفت. او با اشارات صریح و روشن، مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور را متهم به حمایت از داعش کرد. پس از این ادعا، گزارشی از قول خبرگزاری روسی تاس در برخی رسانه‌های افغانستان و شبکه‌های مجازی مبنی بر انتقال داعش توسط حنیف اتمر مشاور امنیت ملی و معصوم ستانکزی سرپرست وزیر دفاع، به شمال افغانستان و در مرزهای آسیای میانه انتشار یافت. هرچند تا اکنون مقامات دولت روسیه و کشورهای آسیای میانه چنین گزارشی را تأیید نکرده‌اند، اما روس‌ها به شدت از سیاست و عملکرد امریکا و غرب و صداقت مبارزه آن‌ها با داعش، نگران و مظنون هستند.

روز قبل (۲۴ قوس ۱۳۹۴) جنرال کمپبل فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، از تلاش داعش مبنی بر ایجاد پایگاه منطقه‌ی در ولایت ننگرهار و انتقال برخی جنگجویان آن‌ها از سوریه و عراق به ننگرهار و نفوذ این گروه به ولایت کتر خبر داد. نفوذ داعش به ولایت کتر (این ولایت در دهه هشتاد میلادی، سال‌های جهاد یا جنگ با قوای شوروی، پایگاه گروه سلفی افغانستان به رهبری مولوی جمیل الرحمن (مولوی حسین) بود)، شاید بیشتر از هر جای دیگر مساعد باشد. حضور جنگجویان داعش در کتر، نفوذ و حضور این گروه را به نورستان و ولایت بدخشان آسان می‌سازد. این در حالی است که طالبان اکنون در برخی از ولسوالی‌های بدخشان نفوذ و تسلط دارند و این جنگجویان طالب به‌آسانی می‌توانند به داعش بپیوندند و بیرق سیاه داعش را به جای پرچم سفید طالبان در بدخشان و در مرزهای تاجکستان بلند کنند. دولت افغانستان نیز از دستگیری چند تن از اتباع تاجیکستان و ازبکستان در ننگرهار سخن گفت.

داعش در روزهای اخیر در ننگرهار، یک شبکه رادیو به نام "صدای خلافت" به‌راه انداخته است که در تمام ولایت ننگرهار به شمول شهر جلال‌آباد شنیده می‌شود. داعش، افغانستان را بخشی از ولایت خراسان خلافت اسلامی می‌داند که در نقشه داعش، جغرافیای خراسان علاوه بر افغانستان شامل بخشی‌هایی از ایران، پاکستان و آسیای میانه می‌شود. ادعای خلافت اسلامی داعش و ولایت خراسان برخلاف طالبان به عنوان یک گروه محلی و بیشتر با هویت قومی در افغانستان، زمینه را برای جذب جنگجویان بیشتر از میان ولایات و اقوام مختلف برای داعش مساعد می‌کند و به‌خصوص موجب نفوذ این گروه در شمال افغانستان و ولایات هم‌مرز با آسیای میانه می‌شود.

با توجه به این حوادث و حدس و گمان‌ها، آیا افغانستان مصاب به سرطان دیگری به نام داعش خواهد شد؟ پاسخ این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.

آیا پاکستان پس از سفر اخیر رییس‌جمهور غنی به قول و قرارهایی که به وی داده است، عمل می‌کند؟ آیا امریکایی‌ها و ناتو تصمیم و اراده دارند تا جلو نفوذ و حضور داعش را در افغانستان بگیرند؟ و آیا دولت افغانستان به ریاست اشرف‌غنی، ظرفیت‌هایی را در خود، از حکومت‌داری سالم و موثر تا سیاست شفاف و یک‌دست بر سر مبارزه با طالبان و داعش ایجاد خواهد کرد؟

پس از این سوال را باید در عملکرد و سیاست پاکستان و امریکا با متحدین غربی‌اش در افغانستان جست‌وجو کرد.



فیسبوک نامه

بشیر انصاری



مشرف و پنجشیر:

جنرال پرویز مشرف نه تنها امروز که حتا در زمان ریاست جمهوری خویش، ملت افغانستان را به دو بخش تقسیم می کرد؛ پنجشیری و غیر پنجشیری. پنجشیری از نظر او به دشمن پاکستان اطلاق می گردید و غیر پنجشیری به دوستان آن کشور. بیشتر از شصت سال می شود که حکومت های قوم محور افغانستان، آهنگ (دا پشتونستان زمونز) را می نوازند که این افزون طلبی جنون انگیز سیاسی و این خصومت شصت ساله، از ما قربانیان بی شماری گرفته است که یکی از آنان، مسعود شهید بود.

پرسشی که مطرح می شود؛ چرا وقتی که مشرف رییس جمهور بود و تنها بر پنجشیری ها می تاخت، چرا از میان مدعیان دشمنی با آن همسایه، دولت مردی پیدا نشد که او را پاسخ گوید؟ دیگران را بگذارید، چرا حتا کسانی که مربوط به جبهه جهادی پنجشیر و محور مقاومت پنجشیر بودند، مهر ننگین سکوت بر لب گذاشتند. به گفته قرآن (آیس منکم رجل رشید؟) آیا در میان شما یک مرد رشید هم وجود ندارد که به این خصومت پایان دهد، و یا آنکه از منادیان اصلی این سیاست مسخره بخواهد که با یک چهره وارد میدان شده و اعلام دارند که در این قلم رو چیزی به نام (ملت افغانستان) وجود دارد.

من مدعیان «افغانیت» را متهم می کنم که این همه افغان افغان گفتن شان تنها یک هدف داشته و آن، کاشتن تخم دشمنی در میان این مردم بوده است و بس.

آیا چنین مناسبت هایی جوهر اصلی مدعیان «افغانیت» را به نمایش نمی گذارد؟

کاسه های داغ تر از آتش پاسخ دهند!

عبدالشهید ثاقب



به دنبال تظاهرات دانشجویان دانشگاه ننگرهار به حمایت از داعش، اینک گزارش هایی به گوش می رسد که دستگاه رادیویی نیز به نام «رادیو خلافت»

در آن ولایت فعالیت دارد. اگر این گزارش ها و آوازه ها واقعیت داشته باشد، پرسشی که متوجه مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ می شود، این است که چرا تا هنوز از فعالیت چنین رادیو جلوگیری نکرده و یا حداقل به نیروهای امنیتی گزارش نداده اند.

آیا این، نشان دهنده ضعف مدیریتی مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ نیست؟ واقعیت این است که ضعف مدیریتی مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ ما باعث گردیده است که این نهاد وظایف اصلی خود را فراموش و به ابزاری برای سرکوب نشریه ها و رسانه های آزادی که تهدیدی برای امنیت ملی کشور نیستند،

تبدیل شود. وزارت اطلاعات و فرهنگ، همه روزه، مکتوبی به منظور اعمال فشار بر این رسانه و آن رسانه صادر می کند، اما از فعالیت رادیو خلافت در بیخ گوشش بی خبر است.

دلگی هاتف



خیال پلو

کاش موجودی غیر آنچه هستم باشم، آنچه هستم و آنچه هم نوع من است را به بررسی بگیرم. خاصیت ام باشد، که آزار دهنده های روزمره گی آزارم ندهد، فاصله ها را در ثانیه ها بشکنم و توان پرزدن به همه این کره خاکی را داشته باشم. هر آن کسی را که بخوام به بررسی بگیرم، یگانه نظاره گر سردر گمی های روزمره ام باشد.

با چنین حالی کسی را دنبال خواهم کرد، که همه زنده گی اش را در قمار به ملای قریه می بازد. از زنده گی بی که در آن با انجام کارهای خوب و بد به حقیقت هستی خود پی می بریم، جفت می زند و با انجام عمل انتحاری به آنجایی می رود که ملای قریه برایش بشارت کرده بود.

به گفت و گوی کسی گوش خواهم داد، که خود می گوید و خود می شنود. اکسرا با خود مصروف است و برای این که ساخته های خیالی ذهن اش را از دست ندهد، خود را از همه دغه دغه های زنده گی فارغ و غیر مسول می داند. گاهی هم آنچه که ذهن اش را می آزارد، با صدای بلند و آلوده با خشم به ناسزا می گیرد، طوری که همه فکر می کنند او دیوانه است.

نظاره گر ظلم ظالمی خواهم بود که مظلوم را سر می زند و عمل اش را مقدس می داند.

به ماجرای عشق دو جوانی چشم خواهم دوخت که در آخرین لحظه های زنده گی، آنگاه که مرگ ثانیه های آخر زنده گی شان را می شمارید، به هم می رسند و هنوز برای هم لبخند می زند که شکار انتحار بچه پییده از ملای قریه می شوند.

و صدها کشمکش را دنبال خواهم کرد، که انکبوت وار زنده گی انسان را می پیچاند و آدمی به مقصد رهایی خود، تمام عمر در آن دست و پا می زند.

پ.ن. زنده باشیم و موجودک خلق شده باشه، ده جان کندن اسراعیل ره منتظر نخاذ ماندم.

امریکا در سوریه پایگاه هوایی می سازد

امریکا به منظور انجام حملات هوایی علیه داعش در حال تلاش برای ساخت یک پایگاه هوایی در شمال شرق سوریه است. روزنامه لبنانی الاخبار گزارش داد که کارشناسان نیروی هوایی امریکا در حال کار بر روی ساخت و تجهیز یک پایگاه هوایی در شمال سوریه هستند.

فرودگاه ابو هزار در شهر حسکه واقع در شمال شرق سوریه است که در کنترل کردها قرار دارد. این خبر در حالی منتشر شده است که دولت سوریه تا کنون اجازه ساخت پایگاه هوایی برای انجام حملات هوایی را به امریکا نداده است.

طبق گزارشات اخیر کارشناسان، امریکایی ها به مدت دو ماه است که برای ساخت این پایگاه هوایی که از سال ۲۰۱۰ مورد استفاده قرار نگرفته است، در منطقه حضور دارند. این فرودگاه دارای ۲٫۵ کیلومتر باند پرواز است که برای انجام حملات هوایی جنگنده های امریکایی و تأمین تجهیزات نظامی گزینه مناسبی به شمار می رود.

این خبر پس از آن منتشر شد که گزارشاتی مبنی بر همکاری امریکا و کردها برای ساخت یک پایگاه هوایی ۱۰ هکتاری در حسکه مطرح شد. در پایان نوامبر گزارش شد که دو بالگرد امریکایی بر فراز الرمیلان در حال پرواز بوده و ۸ کارشناس نظامی را در این فرودگاه پیاده کرده اند.

هند برای تولید «بمب هیدروژنی» شهرک هسته ای محرمانه می سازد

نشریه امریکایی، در گزارشی فاش کرد که دولت هند برای دستیابی به بمب هیدروژنی تلاش می کند و برای این هدف، به طور محرمانه یک شهرک هسته ای در ایالت «کرناٹکا» می سازد.

به نقل از «فارین پالیسی»، دولت هند پروژه تولید بمب هیدروژنی را در سال ۲۰۱۲ میلادی در شهر «چهلکری» در ایالت کرناٹکا آغاز کرد و خواستار تکمیل آن تا سال ۲۰۱۷ میلادی است.

به گفته کارشناسان، اگر دولت هند این پروژه را اجرا کند، بزرگترین پروژه هسته ای، تحقیقات اتمی در شبه قاره خواهد شد.

بر اساس این گزارش، دولت هند این پروژه را مستقیم از محل اقامت نخست وزیر این کشور سازماندهی می کند و پشتیبانان این پروژه نیز دو سازمان اطلاعاتی هند هستند.

اهداف ظاهری این پروژه گسترش تحقیقات هسته ای هند، تولید مواد برای راکتور و افزایش قدرت زیردریایی جدید این کشور عنوان شده است، اما برخی از افسران بازنشسته هند و کارشناسان انگلیس و امریکا بر این باورند که ذخیره اورانیوم هند با این پروژه چند برابر افزایش خواهد یافت.

به گفته کارشناسان، این پروژه هندی سبب افزایش نگرانی های چین و پاکستان خواهد شد و این کشورها نیز در عوض سلاح های هسته ای خود را افزایش خواهند داد، زیرا چین و پاکستان رقبای سنتی هند هستند.

در گزارش فارن پالیسی آمده است که مقامات هند این پروژه را در سطح دولتی مورد بحث قرار نمی دهند و مردم این کشور نیز از این پروژه اطلاعی ندارند.

نشریه امریکایی ادامه داد: در حالی که دولت هند توافقنامه هسته ای غیر نظامی با امریکا را امضا کرده است بنابر این، آژانس های ناظر بین المللی هیچ توجهی به این پروژه ندارند.

قابل ذکر است که موسسه تحقیقات بین المللی صلح استکهلم (SIPRI) چندی پیش در گزارشی اعلام کرد که دولت هند در حال حاضر دارای ۹۰ تا ۱۱۰ کلاهک هسته ای، پاکستان ۱۲۰ و چین ۲۶۰ کلاهک هسته ای است.

داعش

در فتوایی تلویزیون را تحریم کرد

گروه تکفیری داعش با صدور بیانیه ای هرگونه استفاده از تلویزیون و خرید و فروش آن را در سوریه و عراق ممنوع و حرام اعلام کرد.

یک فعال ضد داعش اعلام کرد: داعش به دلیل جلوگیری از مشاهده شبکه های خارجی که به سرزنش این گروه تروریستی می پردازند، هرگونه استفاده، خرید و فروش و تعمیر تلویزیون را در تمام مناطق تحت کنترل خود در این دو کشور، حرام اعلام کرد.

این گروه تروریستی همچنین دستور داده که تمام نیروهای داعش، ماهواره ها و تلویزیون های خود را در خانه ها تخریب و نابود کنند.

گروه تروریستی داعش در صدور فتاوی شاذ و نادر مشهور است. اوایل سال جاری میلادی، داعش در فتوایی پوشیدن هر نوع لباس تولید کشورهای غربی را تحریم و نیروهای خود را موظف به پوشیدن لباس های عربی و مانند آن کرد.

این گروه همچنین استفاده از اینترنت در فضای خصوصی را ممنوع اعلام کرده است و استفاده از آن را تنها در کافی نت ها و در حضور عناصر خود جایز می داند.

اتهام

همجنسگرایی به ستاره مشهور فوتبال

Football: Cristiano Ronaldo splashes \$3 million on party Monday, 14 December 2015



رونالدو که ستاره تیم رئال مادرید است، رفت و آمد زیادی به مراکش دارد که البته این امر با جب اختصاصی او انجام می شود. همین اتفاق چندی پیش باعث نگرانی مسوولان باشگاه رئال مادرید شده بود و حتا برخی ستاره ها این پرسش را مطرح کرده بودند که رونالدو هر شب در مراکش چه می کند.

این ستاره مشهور فوتبال به تازگی در جشنی شرکت کرده است که سه میلیون دالر هزینه در بر داشته و کاملا پسرانه بوده است. به دنبال برگزاری این جشن، برخی عنوان کرده اند که این رفتار همجنس گرانه بوده و رونالدو را به این امر متهم کرده اند.

بارسا رسماً وارد ماجرای خرید مسی جدید شد



باشگاه بارسلونا به طور رسمی مذاکره برای جذب مهاجم جوان گولزن آرژانتینی یونونتوس را آغاز کرد.

سران باشگاه بارسلونا برای جذب دیبالا با سران باشگاه یووه وارد مذاکرات جدی شدند. پیش از این هم مسی، فوق ستاره آرژانتینی از هموطنش حمایت کرده بود و به سران باشگاه کاتالونیایی پیشنهاد خرید او را داده بود.

در این مورد روزنامه توتو اسپورت ایتالیا نوشت: برابدا، مسوول نقل و انتقالات بارسا با جوزپه ماروتا، مدیر یونونتوس ملاقات کرد و درباره شرایط انتقال دیبالا به تیم اسپانیایی، به گفت و گو نشست. دیبالا که در تابستان گذشته از پالرمو به یووه آمد، در مدت کوتاه حضورش، ۱۴ بازی را همراه بیانکونری انجام داده که ۷ گل به ثمر رساند و ۴ پاس گل نیز داده است.

اعتراف مدیر ورزشی چلسی درباره اخراج مورینیو



مدیر ورزشی باشگاه چلسی پس از اخراج سرمربی پرتغالی این تیم، به موضوعی اعتراف کرد که رسانه های انگلیسی ماه ها پیش از آن خبر داده بودند.

مایکل امنالو اعتراف کرد که تیره و تار شدن روابط میان ژوزه مورینیو و بازیکنانش در رختکن چلسی، دلیل اخراج سرمربی پرتغالی آبی پوشان لندن شده است و تأثیر به سزایی که این موضوع بر عملکرد تیم گذاشته، مدیران باشگاه را وادار کرده است که واکنشی به این موضوع نشان دهند. امنالو گفت: وجود ناراضی و اختلاف میان مورینیو و بازیکنان تیم کاملاً مشهود بود و ما احساس کردیم وقتش شده که کاری در این خصوص انجام دهیم. اخراج مورینیو تصمیمی در جهت حفاظت از منافع باشگاه چلسی بود. با وجود احساس خوبی که نسبت به مورینیو داشتیم، باید می پذیرفتیم که باشگاه مشکلاتی دارد.

اظهارات امنالو با بیانیه رسمی که باشگاه چلسی درباره اخراج مورینیو منتشر کرده، کاملاً در تضاد است، بیانیه ای که در آن بیان شده، اخراج آقای خاص بر اساس توافقی دوجانبه ای که میان باشگاه و او صورت گرفته، انجام شده است و این مربی با رضایت نیمکت آبی پوشان لندن را ترک کرده است.

مدیر ورزشی آبی پوشان لندن تأکید کرد: مورینیو در چلسی همیشه چهره ای محبوب، مورد احترام و مهم خواهد ماند. میراث او در استمفوردبریج و فوتبال انگلیس تا مدت ها به یاد خواهد ماند و ما همیشه از او در استمفوردبریج استقبال می کنیم.

پناهجویان افغانی در آلمان به دنبال برگشت به وطن هستند



برگشت به وطن در میان سنین ۱۵ الی ۲۵ قرار هستند. او مهم ترین دلیل را این گونه خلاص می کند: «بیشتر این ها نوجوانی اند که حتی سن ۱۸ سال را تکمیل نکرده اند. شماری از این ها قبلا از افغانستان خارج شده بودند و با دست یافتن به فرصت خود را به آلمان رسانیدند. این ها انتظاراتی را که قبلا داشتند و صحبت هایی را که شنیده بودند برای زندگی در آلمان برای شان میسر نمی بینند. بیشتر این ها در افغانستان دارای فامیل اند و دق شدن پشت فامیل هم از عوامل دیگر بازگشت آنان به حساب می آید». در پاسخ به این پرسش که احتمالا نبود امکانات اولیه برای زندگی عاملی برای تصمیم این جوانان به برگشت به افغانستان پنداشته خواهد شد یا خیر، سفیر افغانستان در برلین می گوید: «شرایط در ایالت های آلمان از هم دیگر متفاوت است. با آنهم با برخی از این افراد که صحبت داشتیم از امکاناتی مانند کورس زبان و نیازهای دیگر اولیه شکایت نمی کردند. ما در این خصوص با وزارت داخله و خارجه این آلمان هم در تماس هستیم و این ادارات مصمم اند که افزون بر فراهم آوری سهولت های زندگی برای پناهجویان در آلمان، به آنانی که به گونه داوطلبانه به کشورشان بر می گردند کمک های مالی مانند یک مقدار پول سفر خرج نیز بپردازند».

این گفته ها در حالی مطرح می شوند که هزاران افغانی در سال جاری میلادی با عبور از راه های دشوارگذر و پشت سر گذشتاندن دشواری های زیاد خود را به کشورهای پیشرفته جهان رسانده اند. این سفر به ساده گی میسر نشده و حتی در مسیر راه صدها پناهجو در نتیجه غرق شدن قایق حامل شان جان باخته اند. گفتنیست برخی از این پناهجویان با رسیدن به اروپا رویاهایی که در سر داشتند را به سادگی تحقق پذیر ندانسته و پس از اندک زمان در تلاش اند که دوباره به کشورشان برگردند.

در کمتر از دو ماه اخیر بیش از ۳۲۰ پناهجوی تازه وارد افغانی به آلمان، به سفارت و قونسولگری های افغانستان مراجعه کرده و درخواست بازگشت به کشورشان را داده اند. سفارت افغانستان در برلین می گوید شمار این افراد رو به افزایش است. این افراد نسبت به آینده خود در آلمان امیدوار نبوده و تلاش دارند به گونه داوطلبانه دوباره به وطن شان فرستاده شوند.

حمید صدیق، سفیر افغانستان در برلین می گوید در کمتر از دو ماه اخیر روند مراجعه افغان های پناهجو برای برگشتن داوطلبانه به کشور افزایش یافته و تا حال بیش از ۳۲۰ تن به دفاتر نمایندگی آنان مراجعه نموده اند تا پاسپورت دریافت کنند.

سفیر افغانستان در آلمان می افزاید: «در دو ماه گذشته بیش از ۳۲۰ پناهجوی افغان به قونسولگری های شهر مونیخ، بن و سفارت ما در برلین مراجعه کرده اند که به گونه داوطلبانه به افغانستان برگشته اند. ما در گام نخست تلاش می کنیم که هویت آنان را مشخص بسازیم و در صورتی که پول در اختیار داشته باشند، در بدل هر پاسپورت ۱۲۰ یورو می پردازند و در غیر آن ما تلاش می کنیم که برای مدت یک سال پاسپورت رایگان نظر به حس انساندوستی برای هم وطنان خود صادر کنیم».

با توجه براین که برخی خانواده ها توانایی پرداخت چند هزار دالر را برای فرستادن جوانان شان به اروپا ندارند، دیده می شود که بیشتر پناهجویان از خانواده هایی اند که در وضعیت بهتر اقتصادی قرار دارند و یا برخی جوانانی که اقارب شان در حال حاضر در کشورهای اروپایی به سر می برند با پرداخت هزینه های هنگفت راه سفر در پیش می گیرند.

اما حمید صدیق می گوید یافته های آنان نشان می دهد که بیشتر داوطلبان

رادپوی داعش از پاکستان

نشرات دارد

دولت افغانستان می گوید که رادپوی گروه تروریستی داعش، از پاکستان در ولایت های مشرقی کشور از جمله ننگرهار نشرات دارد. دعوت جوانان برای پیوستن با داعش و اجرای فعالیت های تخریبی از اهداف نشراتی رادپو «صدای خلافت» خوانده شده است. وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان دریافته که فریکونسی رادپو «صدای خلافت» از پاکستان پخش می شود. هارون حکیمی، سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ می گوید: در نتیجه تحقیقات ثابت شده که فریکونسی رادپوی خلافت، از افغانستان نیست. وزارت مخابرات هم گفته که فریکونسی این رادپو از پاکستان پخش می شود. عطالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار نیز گفته که این رادپو از آن سوی سرحد نشرات دارد. آقای خوگیانی گفت، که از قنصل پاکستان در ننگرهار خواسته اند تا جلو نشرات این رادپو را بگیرند. سخنگوی والی ننگرهار گفت: «آنها در کنار استفاده از صفحات اجتماعی مانند فیس بوک، از طریق رادپو نیز گاهگاهی تبلیغ می کنند. معلومات ما نشان می دهد که این رادپو در ننگرهار وجود ندارد، در آن سوی سرحد با کیفیت خوب نشرات دارد که نشراتش در شهر جلال آباد و برخی دیگری از مناطق نیز شنیده می شود. جناب والی به مقام ها به شمول قنصل پاکستان و مقام های امنیت ملی دستور داده تا دستگاه این رادپو را هرچی زودتر کشف و آن را از بین ببرند.»

تبلیغات داعش علیه حکومت افغانستان در شرق، نگرانی های زیادی را برای مردم به وجود آورده است.

دادگاه صحرائی طالبان در غزنی

سه تن به اتهام دزدی دره خوردند



در تصاویر ویدیویی که باشندگان روستای منگور از مربوطات مرکز ولایت غزنی به سلام و وطندار فرستاده اند، دیده می شود که سه جوان این روستا توسط طالبان مسلح دره زده می شوند. در اوایل تصویربرداری، صدها روستایی و دهه طالب با حلقه زدن به دور این سه جوان، به حکم صادر شده دادگاه صحرائی - که توسط شخصی خوانده می شود که در تصویر دیده نمی شود - گوش می دهند. سپس طالبان مسلح به ترتیب پاهای متهمان را به ریسمان بسته و آن ها را دره می زنند. طالبی که حکم را می خواند، جرم متهمان را سرقت یک سه چرخه و نماز نخواندن عنوان می کند و به مردم هشدار می دهد که امارت اسلامی طالبان در همه جا حاکمیت دارد و مجرمان را جزای اعمالشان خواهد رساند. وی درباره این سه جوان می گوید که جرم این افراد به اندازه یی نبوده که حد شرعی اجرا شود. پس از اجرای حکم دادگاه، مردم فریادهای الله اکبر، زنده باد امارت اسلامی و زنده باد ملا اختر محمد منصور را سر می دهند. مقام های محلی غزنی حاضر نشده اند تا درباره این دادگاه صحرائی با سلام و وطندار صحبت کنند. روستای منگور بیش از چهار کیلومتر از مرکز شهر غزنی فاصله ندارد، اما طالبان بارها در این روستا دادگاه صحرائی به راه انداخته اند و متهمان را مجازات کردند.

عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی «رویدادی تاریخی» است



افغانستان پس از سال ها انتظار به عضویت کامل سازمان تجارت جهانی یا «دبلیو تی او» در آمد. این سازمان عضویت افغانستان را رویدادی «تاریخی» عنوان کرد که می تواند به تقویت اقتصاد و برقراری صلح در این کشور جنگزده کمک کند. خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که عضویت افغانستان پس از تصویب وزیران سازمان تجارت جهانی در نایروبی پایتخت کنیا رسماً تأیید شد. خان رحمانی، یک مقام ارشد افغانستان که به نمایندگی از کابل در این نشست شرکت کرده بود گفت این رویدادی «تاریخی» بود و عضویت در سازمان تجارت جهانی «بخشی از اهداف استراتژیک ما برای رسیدن به صلح و ثبات اقتصادی بود».

روبرتو آزودو، رئیس سازمان تجارت جهانی گفت که وی «خوشحال» است که افغانستان را به این سازمان خوش آمد می گوید. روز چهارشنبه نیز لیبریا در مراسمی مشابه در نایروبی به سازمان تجارت جهانی پیوست. کنفرانس سازمان تجارت جهانی که در پایتخت کنیا برگزار شده است، روز جمعه پایان می یابد.

افغانستان دقیقاً ۳۰ روز پس از آن به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد که توافقنامه یی در این زمینه میان افغانستان و این سازمان امضا شد. در آن زمان محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری ابراز امیدواری کرده بود که عضویت افغانستان در این سازمان به رشد و ثبات اقتصادی این کشور کمک کرده و نهایتاً منجر به برقراری صلح و امنیت شود.

افغانستان برای عضویت در سازمان تجارت جهانی از سوی اتحادیه اروپا نیز کمک شده است. مقامات افغانستان در سال ۲۰۱۴ اعلام کرده بودند که قرار